پیشنهاد تئاتر

ریچارد سوم اجرا نمی‌شود

احترام به اندیشه و تماشاگر

حمیدرضا نعیمی*

● نمایشِ «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود»، به نویسندگی ماتئی ویسنی‌یک و کارگردانیِ اصغر نوری اتفاقِ ارزشمندی است که در تالارِ مولوی رأس ساعتِ ۲۰:۳۰ هرشب به وقوع می‌پیوندد؛ نمایش‌نامه‌ای هول‌انگیز از یک قهرِ تاریخی و شخصیتی مهم در عرصه هنرِ تئاتر یعنی «وزوالد میرهولد». ویسنی‌یک، موفق‌تر از نمایش‌نامه‌های دیگرِ خود، پا را فراتر گذاشته و بر یک ماجرای نه‌چندان شخصی دست گذاشته تا اساسا این‌بار دنیای کثیفِ سیاست و دولت‌ها را به نقد و چالش بکشد؛ آنجا که هنر را قربانیِ مطامعِ حزبی خود می‌کنند و در این فساد، آنچهَ بهایی ندارد، اندیشه، هنر، ادب و فرهنگ است. آنچه که به چشم نمی‌آید، انسان و هنرمند است.

و یکی از زخم‌های دنیای تئاتر که هیچ‌گاه التیام نخواهد یافت، واقعه به‌قتل‌رسیدنِ میرهولد در شورویِ استالین است و این تراژدی در برخوردی گروتسک‌گونه از سوی متن و سپس اجرا تماشاگر را به‌ظاهر می‌خنداند، اما به خفگی می‌رساند. خندیدن در نمایشِ «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» گریه مسلم است. اصغر نوری (مترجمِ تأثیرگذارِ این سال‌ها که انتخاب‌هایش برای معرفیِ آثارِ ارزشمندِ ادبیاتِ داستانی و نمایشی به ایران قابلِ‌ستایش است)، ضرورت اجرای این نمایش‌نامه را در جامعه و زمانه حاضر به زیبایی درک کرده و از آن به‌عنوان یک نقشه گنج برای رسیدن به هدف که یک اجرای تأثیرگذار است بهره می‌برد. او می‌داند که اجرای اثری این‌چنین در هر شکلِ تئاتر حرفه‌ای و هر تالارِ دیگری محکوم به فناست. آنجا که فروش گیشه تعیین‌کننده است، روح چنین نمایشی را به لجن خواهد کشید، پس با فداکاری، خود و تیمش روح والای دانشجویی و آکادمیک اجرای نمایششان را حفظ کرده و به تماشاگرش نگاهی متعالی دارد.

طراحی صحنه با انتخاب هوشمندانه فلز به‌عنوان ماده اصلیِ وسایل (میز، صندلی، پنجره، تخت و...) با بارِ منفیِ آن به سردی و آهنی‌بودنِ فضا دلالت دارد؛ جایی که دیگر نه شعر در آن جاری است نه موسیقی، تئاتر و دیگر هنرها. لباس‌ها ساده، اما به‌درستی طراحی شده‌اند. طراحی کارگردانی و حرکات، تصویرسازی، هدایت بازیگران و خلقِ لحظاتی نفس‌گیر از امتیازات خوبِ این اجراست.

محمدرضا چرختاب بر صحنه و این نقش خوش نشسته است. او بازیگر خوش‌سلیقه‌ای است. به قاعده و اندازه از میمیک، بدن و بیان خویش استفاده می‌کند. در طول اجرا، فقط یک‌بار تنشِ روحی، روانی و ذهنیِ کاراکترِ میرهولد را بیرونی نشان می‌دهد. انعطاف حسی، بیانی و بدنیِ او در این لحظه ماندگار و فراموش‌نشدنی است و خوش‌سلیقگی‌اش باعث می‌شود که چنین لحظه‌ای را فقط یک‌بار ببینیم. امیدوارم از این پس بیشتر شاهد بازی‌های او باشیم. شاهو رستمی، نقش‌های سرنگهبان و ایوان را بسیار گرم و پرانرژی بازی می‌کند. قطعا در آینده‌ای نزدیک از او بسیار خواهیم دید و شنید. مهرداد نیکجو بازیگری کمدی را به‌خوبی بازیگری جدی می‌شناسد و حضوری قدرتمند بر صحنه دارد.

وحید آجرلو نیز تیپ‌های جذابی را ارائه می‌دهد که نقشِ پدر در خاطره باقی می‌ماند. مصطفی لطیفی‌خواه، میلاد مرادی و یلدا صرافی هم مؤثر ظاهر می‌شوند و با دقت خواسته‌های کارگردان را تصویر کرده و جان می‌بخشند. بیتا آزادی، در نمایش از ارائه یک تیپ فراتر رفته و می‌تواند یک نیروی پرانرژی برای آتیه تئاترِ ما باشد. دنیا مقدم‌راد چند نقش و وظیفه را در اجرا برعهده دارد که نقش نوزاد، یکی از ترسناک‌ترین صحنه‌های نمایش است. به‌شدت این صحنه بر صورت تماشاگر سیلی می‌زند.

نمایش «ریچارد سوم اجرا نمی‌شود» یعنی احترام به اندیشه و تماشاگر... کسانی که فرصتِ دیدن این اثر را از دست بدهند بی‌شک زیان خواهند کرد.

* نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان تئاتر

توقف امانت‌سپاری ۶۰ اثر به آلمان

نمایش گنجینه لغو شد

عکس: بولمبرگ

شرق: مقامات فرهنگی آلمان از لغو برگزاری نمایشگاه گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در برلین خبر دادند. بنا بر گزارش روزنامه «تاگس اشپیگل» قرار بود برای نخستین‌بار، ۳۰ اثر مدرن غربی و ۳۰ اثر مدرن ایرانی از آثار برجسته متعلق به گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران در برلین و رم به نمایش درآیند. این آثار قرار بود از چهار دسامبر ۲۰۱۶ تا ۲۶ فوریه ۲۰۱۷ در «گالری ملی» آلمان به‌طور رسمی به نمایش درآیند. با روی‌کارآمدن وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلا این قضیه منتفی شد. درپی آن، هرمان پارتسیگر، رئیس بنیاد میراث فرهنگی پروس، خبر ملغی‌شدن نمایشگاه را رسانه‌ای و اعلام کرد: «در کمال تأسف، ناگزیر از لغو نمایشگاه در روز تعیین‌شده شدیم؛ چون ایران مجوزهای لازم برای خروج این آثار هنری را صادر نکرد. درحالی‌که این نمایشگاه فرصت استثنایی بود که می‌توانستیم از آن استفاده کنیم». «بنیاد میراث فرهنگی پروس» پاییز سال گذشته با موزه هنرهای معاصر تهران تفاهم‌نامه‌ای را برای نمایش برخی از آثار این موزه در «گالری ملی» برلین امضا کرد و همین‌طور میان موزه «مکسی» ایتالیا و موزه هنرهای معاصر تهران چنین قراردادی تنظیم شد. متعاقب این امر، مسئولان موزه هنرهای معاصر تهران اعلام کردند ۶۰ اثر از گنجینه این موزه را که شامل ۳۰ اثر مدرن از هنرمندان خارجی و ۳۰ اثر از هنرمندان ایرانی می‌شود، در شهرهای رم و برلین به نمایش می‌گذارند؛ اما این مسئله با اعتراض برخی هنرمندان نقاش در ایران مواجه شد که ماجرا را «پرابهام» می‌خواندند و خواستار ارائه ضمانت‌نامه «برای بازگشت به موقع، صحیح، سالم و اصل همه آثار» بودند؛ امری که در نهایت، موجب شد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دستور توقف روند ارسال این آثار را به خارج از کشور بدهد. در این حال، بنیاد میراث فرهنگی پروس اعلام کرده ازآنجاکه قرار بوده این نمایشگاه ابتدای ماه جاری میلادی یعنی دسامبر، در برلین برگزار شود، دیگر نمی‌تواند برگزاری آن را بیشتر به تأخیر بیندازد و به همین خاطر از آن صرف‌نظر کرده است. این بنیاد در نهایت تأکید کرد که باوجود این مسئله، همچنان خود را به تبادل فرهنگی با ایران متعهد می‌داند. پیش از این وزارت خارجه آلمان در نامه‌ای به همتای ایرانی خود عنوان کرده بود برلین ضمانت‌های لازم را به موزه هنرهای معاصر تهران داده که براساس آن، تمامی آثار باید به تهران بازگردانده شود و «تا هنگام عودت آثار، هیچ‌گونه شکایت دادگاهی جهت تحویل، ضبط، توقیف یا اقدامات اجرائی مجاز نیست». گنجینه موزه هنرهای معاصر ایران دارای مجموعه ارزشمندی از آثار هنرمندان مدرن غرب مانند پیکاسو، ون‌گوگ، پولاک، خوان میرو و اندی وارهول است. گفتنی است ایران امروز معروف‌ترین مجموعه هنری مدرن غربی را در خارج از اروپا و آمریکا داراست. این آثار قرار بود بعد از ۴۰ سال پنهان نگه‌داشته‌شدن، برای نخستین‌بار در اول ماه دسامبر در خارج از کشور و البته در برلین به نمایش درآیند. معماری ساختمان موزه از بادگیرهای سنتی شهرهای کویری ایران الهام گرفته شده است. در اتاق‌ها گالری‌های نمایشگاهی موزه پس از آن نقاشی‌های انقلابی، تابلو نقاشی‌های بومی، خط‌نگاری، انواع فرش‌ها، کالیوگرافی مثل مینیاتورهای سنتی و از پیکاسو تا مونه غالب و مسلط شده است.

در مرگِ پوران فرخزاد

کسی که مثل هیچ‌کس نبود

شرق: آخرین فرخزاد از نسلِ باقریحه این خاندان هم درگذشت. پوران فرخزاد، نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر، نهم دی ماه، در ۸۳سالگی در بیمارستان ایرانمهر به‌دلیل عارضه قلبی از دنیا رفت. «پوران»، خواهرِ بزرگ‌تر فروغ فرخزاد، مطرح‌ترین شاعر معاصر زن ایران، بود که در تمام این سالیان بعد از مرگِ «فروغ» جز آثاری که به نظم و نثر در حوزه پژوهش شعر و زنان نوشت، در فکر ترسیم سیمای واقعی فروغ نیز بود و از پسِ سالیانی که از مرگِ فروغ می‌گذشت، چنان در پیوند با او و آثارش ماند که روز مرگش نیز به طرزی نمادین در فاصله یک روز از تولد فروغ رقم خورد. «زن از کتیبه تا تاریخ» پژوهش دوجلدی پوران فرخزاد، شاید از مهم‌ترین آثار منتشرشده او باشد که در سال ۱۳۷۸ در انتشارات زریاب به چاپ رسید و دانشنامه‌ای است درباره زنان فرهنگ‌ساز ایران و جهان. فرخزاد همواره به شعر نیز می‌پرداخت. او جز اشعار خود، پژوهش‌هایی نیز درباره شعر دیگران داشت یا گزیده‌هایی از شعر دیگران که از آن جمله می‌توان به «اوهام سرخ شقایق»، گزیده‌ای از اشعار زنان جهان، «نیمه‌های ناتمام؛ سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ» و «زن شبانه موعود» اشاره کرد که اثر اخیر پژوهشی است درباره نشان زن در آثار سهراب سپهری. پوران فرخزاد خود را چنین معرفی می‌کرد: «من پوران فرخزاد هستم، فقط همین. یک اسم ساده بر روی یک آدم ساده». او از نسَب و شهرتِ خاندانش در حوزه فرهنگ سهمی نمی‌خواست و چه‌بسا در غیاب خواهر و برادرانش وظیفه‌ای نیز بر دوش خود احساس می‌کرد که بسیار وقت او را نیز می‌گرفت. «احساس می‌کنم رسالت عمیقی نسبت به خانواده‌ام دارم». او می‌گوید، «ما یک نفر هستیم» و حالا که دونفرشان رفته‌اند، یعنی دو طرف ضلع نیست و این یکی که مانده وظیفه دارد این سه‌گوش را پر کند تا در تاریخ ثبت شود که خانواده‌اش همه موجودیت و هستی خود را پای‌ریز فرهنگ ایران کرده است. باوجوداین او متفاوت بود با آنان. علایق خاص خود را در حوزه زنان و تاریخ وطن داشت و چنان‌که خود نیز می‌گوید، نشانِ این تفاوت کتاب «سه‌گانه» است که منتخبی است از اشعار او، فروغ و برادرش. «کارنمای زنان کارای ایران از دیروز تا امروز» زندگی‌نامه زنان برجسته ایرانی و «زنان همیشه»، گزینشی از سروده‌های شاعران زن ایرانی از دیگر تألیفات او است. او همچنین دو مجموعه‌داستانِ «دیداری در پاییز» و «هفت زن هفت داستان» و دفتر شعری با نام «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ» را در طول حیات خود به‌چاپ رساند. از ترجمه‌هایش نیز می‌توان به «جای دیگر»، نوشته جان‌بوینتن پریستلی، «مردی بر بال‌های آینده»، نوستراداموس، «رؤیای یک مرد مسخره» و «افسانه‌های آقای استرنبری» اشاره کرد. پوران فرخزاد که از کودکی با جذبه کتاب و کتاب‌خوانی آشنا شده بود، خیلی زود کار خود را با نوشتن شعر، داستان و ترجمه آغاز کرد و در همان دهه ۵۰ داستان‌هایی در مجلات به چاپ رساند. «دیدار در پاییز» (۱۳۵۰)، نخستین اثر چاپی اوست و دو سال بعد نیز نخستین دفتر شعر او، «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ است» چاپ شد و این قریب‌به نیم‌قرن فعالیت نوشتاری و فرهنگی پوران فرخزاد بود که سرانجام در آستانه فصلی سرد به‌سر رسید.

گزارشی از رونمایی تازه‌ترین کتاب کارگردان مشهور سینما

روایت ۲ سفر از داریوش مهرجویی

شرق: به‌تازگی کتابی از داریوش مهرجویی با نام «دو خاطره: سفرنامه پاریس، عوج کلاب» در نشر به‌نگار به‌چاپ رسیده و آن‌طور که از عنوان کتاب هم برمی‌آید، تازه‌ترین اثر مهرجویی دو سفرنامه را دربرگرفته است. در اولی که آمیزه‌ای از تخیل و واقعیت است و حتی شخصیت‌هایش هم حقیقی نیستند و اگر هم هستند اسم‌هایشان خیالی است، مهرجویی به ماجرای سفر یا به‌قول خودش تبعید خودخواسته یک کارگردان به پاریس در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ پرداخته است. سفرنامه دیگر با عنوان «عوج کلاب»، سفرنامه مهرجویی به دوبی است. چهارشنبه هشتم دی‌ماه کتاب تازه مهرجویی در خانه هنرمندان ایران رونمایی شد. در این مراسم مهرجویی با ستایش از بابک احمدی گفت: «هیچ‌کس با بابک احمدی حرف نمی‌زند. چون کسی نمی‌فهمد او چه می‌گوید. هیچ‌کس نیامده دو کلمه درباره‌اش حرف بزند. این حسادت و بغض است. اما ماجرا چیست؟ بلد نیستند و نمی‌فهمند طرف چه می‌گوید. دانشش را ندارند. بابک احمدی یکی از بزرگ‌ترین روشنفکران یا خردورزان دوران ماست و نسل‌های بعد متوجه می‌شوند که چه اهمیتی داشته است. البته با استفاده از واژه روشنفکر بین خودمان، موافق نیستم؛ به منورالفکرها می‌گویم خردورز. ضمن اینکه ما اصلا روشنفکر نداشته‌ایم. همیشه ایدئولوگ داشته‌ایم و این دو با هم فرق دارند. ایدئولوگ معتقد به یک حقیقت مطلق و ایدئولوژی است. اما خردورز با خرد کار می‌کند». شهرام اقبال‌زاده که دبیر مجموعه‌ای است که کتاب‌های مهرجویی در آن منتشر شده، درباره ارتباط مهرجویی و کتاب گفت: «آقای مهرجویی کتاب‌خوان‌ترین آدم نسل خودش است و متنوع هم می‌خواند. او مرتب دارد می‌خواند و در آثار سینمایی‌اش هم ارجاعات زیادی به کتاب‌های مختلفی دارد. در کتاب «دو خاطره»، او هم به سفرش به فرانسه و هم بازداشتش در یکی از کشورهای هم‌جوار خلیج‌فارس و اینکه یک سال بلاتکلیف بوده، اشاره می‌کند. مهرجویی چند سال است که به نوشتن رمان رو آورده است. راوی رمان‌های او، لزوما داریوش مهرجویی نیست. مهرجویی معتقد است که من در سینما حرفم را با کمک عوامل مختلف، به طور غیرمستقیم می‌زنم ولی رمان، از اول تا آخر حرف‌های خودم است. سینما هم روایت دراماتیک چیزهایی است که می‌نویسم. یعنی فیلم‌هایم هم رمان هستند. مهرجویی رمان‌نویس، همان مهرجویی فیلم‌ساز است. مهرجویی در سال‌های اخیر، با رمان‌نوشتن، به خودنوشت‌نمایی رو آورده است. او یک هنرمند متعهد روشنفکر است. وجه اشتراک فکری آثارش، نگاه اومانیستی انتقادی است؛ یک نوع نگاه تکثرگرا و دیگرپذیر». نیره توکلی سخنران دیگر این مراسم بود که با اشاره به استقبال از کتاب‌های مهرجویی گفت: «مهرجویی کنش‌گر اجتماعی است. در کتاب‌های او جریان‌های فکری مختلف حضور دارند. یکی از مسائل کتاب‌هایش، تفاوت فضای عمومی و فضای خصوصی است و این یکی از مشکلاتی است که ما در سال‌های اخیر در جامعه‌مان داشته‌ایم». امیر پوریا در بخشی از صحبت‌هایش درباره مهرجویی گفت: «وقتی کسی چون مهرجویی که به بیان بهرام بیضایی دستگاه فکری دارد به بیان و توصیف مشاهدات و تجربیات خود می‌پردازد، درواقع به قضاوت نپرداخته است. نکته دیگری که در این کتاب قابل ارزش است، نقبی است که این دو خاطره به حافظه نویسنده می‌زند و زمانی که او اسمی را به خاطر نمی‌آورد به همان شکل نگارش را انجام داده است و همان‌طور که تفکر می‌کند و به یاد نمی‌آورد، می‌نویسد». علی شروقی درباره سفرنامه پاریس مهرجویی گفت: «این سفرنامه یک حالت اتوبیوگرافیک دارد و اسم‌ها مستعار هستند و ارجاعاتی دارند که ما را به شخصیت‌های واقعی می‌رسانند. در اینجا چیزی که خیلی برجسته است، خانه و اضطراب آواره‌بودن است، اضطراب البته در اغلب کارهای مهرجویی حضوری جدی دارد. اما در سفرنامه پاریس مهرجویی اضطراب‌های دهه ۶۰ که برآمده از مهاجرت بودند را تصویر کرده است». مجتبی گلستانی درباره جایگاه مهرجویی گفت: «داریوش مهرجویی یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین داشته‌های فرهنگی ما در یک قرن گذشته بوده است. مهرجویی یکی از موفق‌ترین راویان مدرنیته ایرانی است، کسی که همیشه سرشار از عطش روایت‌گری بوده است». در بخش پایانی مراسم نیز وحیده محمدی‌فر، همسر مهرجویی، بخش‌هایی از کتاب را برای حاضران روخوانی کرد.

خداحافظی با «دنیا»ی عروسک‌ها

شرق: پنجشنبه ساعت ۹ صبح هنرمندان و دوستداران دنیا فنی‌زاده در خانه سینما ۲، واقع در خیابان وصال گردهم آمدند تا ضمن بیان آخرین گفته‌ها، پیکر او را به‌سوی بهشت‌زهرا(س)، قطعه هنرمندان تشییع کنند. مراسم، ساعت ۹:۳۰ با اجرای کامران ملکی و حضور خانواده فنی‌زاده آغاز شد. در این مراسم چهره‌های بسیاری حضور داشتند که در آن میان می‌شد نام اینان را به خاطر سپرد: حمید جبلی، ایرج طهماسب، اکبر زنجانپور، رضا بابک، سعید پورصمیمی، فرشته طائرپور، همایون اسعدیان، منوچهر شاهسواری (مدیرعامل خانه سینما)، حبیب رضایی، احمد حامد، علیرضا رضاداد (دبیر جشنواره فیلم کودک و نوجوان)، محمدحسین لطیفی، مازیار میری، حمید مدرسی، علی قائم‌مقامی، آزاده پورمختار، ایرج نوذری، ستاره اسکندری، مهتاج نجومی، شهرام حقیقت‌دوست، محمدحسین لطیفی، بیوک میرزایی، محسن شاه‌ابراهیمی، علیرضا تابش (مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی)، عادل بزدوده، حبیب دهقان‌نسب، بهزاد خداویسی، یدالله صمدی، عزیز ساعتی، میترا محاسنی، بهروز شعیبی، محمدمهدی عسگرپور، غلامرضا رمضانی، الهام پاوه‌نژاد، محمدرضا هدایتی و... .فاطمه معتمدآریا هم در پیام صوتی‌اش گفت: برای دنیا از زندگی حرف می‌زنم که در همه لحظات عمرش سرشار از عشق، امید، دوستی و مهربانی بود. برای دنیایی که دوست بچه‌ها و حتی ما بود. برای دنیا باید از زندگی حرف بزنیم، زندگی که پربار، پررنج و کوتاه بود، اما هرچه بود، کامل بود. همچنین پیام مشترک حمید جبلی و ایرج طهماسب در این مراسم خوانده شد. در ادامه مراسم، فرشته طائرپور، تهیه‌کننده سینما، گفت: اگر دردها و رنج‌ها را از عمر ۴۰ ساله «دنیا فنی‌زاده» کم کنیم، به چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ سال می‌رسیم. «دنیا» با همین سن‌وسال از بین می‌رود؛ یعنی یک جوان ۲۰ ساله که خوب زندگی کرد درحالی‌که همه بهانه‌ها را برای غمگین‌بودن داشت، ولی غمگین زندگی نکرد و همه دلایل را برای نشستن داشت، اما هیچ لحظه‌ای از کوشش دست برنداشت. مرضیه محبوب هم گفت: «دنیا» با همه بی‌مهری‌ها و نادیده‌گرفتن‌ها عاشقانه کار کرد. من و او، پشت آن دکورهای عروسک‌ها با هم زندگی کردیم، درباره همه‌چیز حرف زدیم، اشک ریختیم، خندیدیم و حتی بچه‌هایمان را آنجا بزرگ کردیم. شادی پورمهری گفت: آن سال وقتی در کلینیک، به‌هوش آمد، خندید و گفت؛ دیدی که به‌هوش آمدم، تو می‌میری و من هنوز بالاسر تو می‌مانم و من باور نمی‌کردم در آن شرایط، او آن‌طور شوخ‌طبعی داشته باشد. او افزود: اگر از «دنیا» یک درس گرفته باشم، همین به‌سخره‌گرفتن مرگ و بی‌اعتنایی به نادیده‌گرفتن‌هاست. عادل بزدوده با توجه به فوت داوود رشیدی (باجناقش) و بعد پدرش گفت: آن دو بزرگواری را که پیش از این از دست دادیم، به‌هرحال سن‌وسالی داشتند و می‌شد به نحوی تحمل کرد، اما وقتی راجع به دنیا می‌خواهم حرف بزنم، کمی سنگین است چون قرار بر این است که روزگار به شکلی باشد که بزرگ‌ترها بروند و کوچک‌ترها درباره آنها حرف بزنند. او گفت: این نازنینی که می‌خواهیم او را تشییع کنیم، حدود سال ۵۴ همراه با پدرش به کانون پرورش فکری می‌رفت و تمام کارهای آنجا را می‌دید و بعدها که بنا بر خواست یکی از بهترین مدیران بعد از انقلاب کانون؛ یعنی کامبیز صمیمی‌مفخم بنا شد گروه‌هایی را تشکیل دهیم، از دنیا فنی‌زاده برای کار دعوت کردم. کامران ملکی با توجه به اعلام آمادگی خانواده مهین بزرگی برای دفن پیکر دنیا فنی‌زاده در مزارش افزود: خانواده این هنرمند به دلیل علاقه‌ای که مهین بزرگی به دنیا فنی‌زاده داشت، این مسئله را پذیرفتند و چقدر این اتفاق به ما آرامش داد که مادربزرگ صدای سینمای ایران، آغوش خود را برای دنیا باز می‌کند. سپس پیکر دنیا فنی‌زاده برای خاک‌سپاری به قطعه هنرمندان بدرقه شد. همچنین اعلام شد مراسم ختم دنیا فنی‌زاده شنبه، یازدهم دی، در مسجد الرضا(ع)، واقع در میدان نیلوفر از ساعت ۱۲ تا ۱۳:۳۰ برگزار می‌شود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

۲ تابلوی زنده‌رودی در هفت نگاه نهم

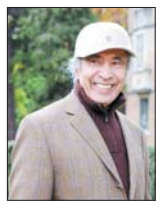

● **شرق:** دو تابلوی زیبا از حسین زنده‌رودی، هنرمند ۷۹ساله مقیم لندن، به هفت نگاه نهم رسید و عنوان گران‌ترین آثار این دوره را به نام خود ثبت کرد. نهمین هفت نگاه که این روزها در فرهنگ‌سرای نیاوران دایر است، با هیجان همیشگی به کار خود ادامه می‌دهد و آخرین خبر از این نمایشگاه حاکی است به تازگی دو تابلو از زنده‌رودی که رکوردهای میلیون‌دلاری در حراجی‌های بین‌المللی داشته است، با قیمت ۲۲۰ میلیون تومان روی دیوار رفته است. فروش سال هنرهای تجسمی «هفت نگاه» با مشارکت گالری‌های آریا، الهه، گلستان، والی، هفت‌ثمر و ماه مهر با هدف رونق‌افزایی به اقتصاد هنر و ارائه آثار هنری اصیل با قیمت‌های مناسب، مانند ۱۰ سال گذشته با محوریت فروش برپا شده است. در نهمین رویداد «هفت نگاه» از میان انبوه آثار هنری متقاضی، ۲۸۰ هنرمند منتخب شده‌اند که با نمایش بیش از ۳۰۰ نقاشی، نقاشیخط، مجسمه و معدودی چاپ دستی مردم را به خرید اثر هنری دعوت می‌کنند. در این رویداد آثاری با قیمت‌هایی بین ۳۰۰ هزار تومان تا ۲۲۰ میلیون تومان ارائه شده تا اقشار مختلف مردم را به خرید آثار هنری ترغیب کند و شعار «هر خانه ایرانی یک اثر هنری» را تحقق بخشد. در این نمایشگاه نقاشیخط‌های چهره‌های شناخته‌شده‌ای مانند سیدمحمد احصایی، رضا مافی تا چهره‌های نسل بعدی ابراهیم حقیقی، عین‌الدین صادق‌زاده و رضا رینه‌ای با قیمت‌های متفاوتی از ۱۰ تا ۵۰ میلیون تومان عرضه شده است. از حجت شکیبا که با نقاشی در آثار زنده‌یاد علی حاتمی به‌خصوص در اثر کمال‌الملک به نامی شناخته‌شده برای جامعه ایرانی بدل شده است، یک تابلوی زیبای دولته‌ای به قیمت ۵۰ میلیون تومان روی دیوار است. لازم به یادآوری است نهمین نمایشگاه «هفت نگاه» تا هفدهم دی ماه در فرهنگ‌سرای نیاوران میزبان علاقه‌مندان به هنر است.

روز رنگی طراحان در «کیش»

● «پشت‌کار» عنوان رویدادی است که امروز شنبه، ۱۱ دی در گالری «میکا»، واقع در جزیره کیش برگزار خواهد شد. به گزارش «رنگ»؛ مجله الکترونیکی طراحان گرافیک ایران، این رویداد شامل سخنرانی «بهراد جوانبخت» با موضوع بررسی هویت بصری برنامه تلویزیونی «خندوانه» و گزیده نمایشگاه «یک روز رنگی» به مناسبت تولد ۱۰سالگی «مجله الکترونیکی رنگ» است. نمایشگاه از ساعت ۱۷ روز شنبه، ۱۱ دی با حضور «شهاب اشتری» (مدیرمسئول مجله الکترونیکی رنگ) و با نمایش آثاری از مصطفی اسدالهی، صادق بریرانی، تهمتن امینیان، کورش پارسانژاد، پیمان پورحسین، پریسا تشکری، بهراد جوانبخت، پدرام حربی، ابراهیم حقیقی، هما دلوراى، قباد شیوا، ایمان صفایی، مجید عباسی، مریم عنایتی، فرهاد فزونی، امیرحسین قوچی‌بیک، آریا کسایی، هومن مرتضوی، طاهره محبی‌تابان، ساعد مشکی، علیرضا مصطفی‌زاده و لیلا میری افتتاح خواهد شد. ساعت ۱۸ نیز سخنرانی «بهراد جوانبخت» با موضوع هویت بصری برنامه تلویزیونی «خندوانه» برای حاضران آغاز خواهد شد. جوانبخت در این سخنرانی به چگونگی خلق هویت بصری و توسعه آن در طول سه سال می‌پردازد. علاقه‌مندان برای حضور در «پشت‌کار» می‌توانند در ساعت‌های یادشده به گالری «میکا»، واقع در برج مسکونی میکا مراجعه کنند. گفتنی است پوستر این رویداد را شهاب تندر طراحی کرده است.

بیانیه‌ای برای وضعیت ۲ گالری‌دار

● جمعی از اهالی صنف هنرهای تجسمی با انتشار بیانیه‌ای، اطلاع‌رسانی درباره وضعیت دو گالری‌دار بازداشت‌شده را درخواست کردند. به گزارش ایسنا، در این بیانیه که نام حدود ۲۰۰ هنرمند و گالری‌دار پای آن درج شده، آمده است: «تا امروز حدود پنج ماه از بازداشت و دستگیری آفرین نیساری و همسرشان، کارن وفاداری، مدیران و مؤسسان گالری و بنیاد فرهنگی «آن» و تعطیلی این مراکز هنری و فرهنگی می‌گذرد. در این مدت، اخبار غیرموثق، شایعات و گمانه‌زنی‌های متعددی میان اهالی هنر و رسانه‌ها درباره این اتفاق صورت گرفته که با انتظار جمعی برای روشن‌شدن وضعیت آنها همراه بوده است. اکنون ما اهالی هنر اعم از هنرمندان، مدیران گالری‌ها، معماران، نمایشگاه‌گردانان، منتقدان و مجموعه‌داران آثار هنری در راستای وظیفه صنفی خود، خواستار شفافیت نهادهای قضائی در این مورد هستیم. بدیهی است که دادرسی عادلانه و علنی حق همه اقشار جامعه ازجمله اقلیت‌های مذهبی و نهادهای اجتماعی است و با توجه به پیشینه فعالیت‌های فرهنگی این خانواده و اهمیت حضور آنان در میان اهالی هنر، تسریع روند اطلاع‌رسانی شفاف، به رفع نگرانی‌های موجود در این مورد کمک خواهد کرد».